

اقیانوس هند و قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱

پرویز سلیم پناه^۱

چکیده:

اقیانوس هند به‌عنوان مهمترین آبراه در بین اقیانوس‌های جهان و به علت تحولات منطقه‌ای و جهانی، در دهه‌های اخیر کانون توجه کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای بوده است و هر کدام از آنها برای حضور و نفوذ بیشتر در این آبراه و در نتیجه منطقه، اقداماتی را انجام داده‌اند و پیش‌بینی می‌شود در قرن ۲۱ با توجه به روند تحولات جهانی و چشم‌انداز وضعیت منابع انرژی در جهان، کشورهای دارای قدرت دریایی توانمند حضوری گسترده‌تر در این اقیانوس داشته باشند. این اقیانوس برای جمهوری اسلامی ایران از نظر اقتصادی به عنوان مهمترین آبراه حمل و نقل دریایی و از نظر نظامی عمق دفاع دریایی کشور است. حضور مؤثر نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در اقیانوس هند علاوه بر اینکه امنیت خطوط مواصلاتی را تأمین می‌نماید باعث کشاندن منطقه نبرد به خارج از خلیج فارس و دریای عمان در زمان بحران می‌شود. در زمان صلح نیز از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در آب‌های بین‌المللی دفاع خواهد کرد. تداوم این حضور مؤثر نیازمند الزاماتی است که برای دستیابی به آن باید در سطح ملی به این نیرو توجه ویژه شود. این نیرو می‌تواند با آمادگی و توان رزمی خود ضمن ایجاد برتری اطلاعاتی، بازدارندگی لازم را در برابر دشمنان ایجاد نماید.

کلید واژگان: قدرت دریایی ۲۱، خطوط مواصلاتی، کنترل دریایی، امنیت دریایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- کارشناس ارشد مدیریت دفاعی و عضو گروه مطالعات و تحقیقات جنگ دریایی آجا

مقدمه:

اگر نگاهی گذرا به تحولات جهان در بُعد دریا داشته باشیم ملاحظه می‌کنیم که رویکرد کشورهای ساحلی مخصوصاً کشورهای قدرتمند و توسعه‌طلب به دریا در جنبه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی همواره یک رویکرد راهبردی بوده و این وضعیت در دهه‌های اخیر شدت بیشتری گرفته است. شاید بتوان گفت پوشیده بودن بیش از دو سوم سطح زمین به وسیله دریاهای، انتقال آسان و ارزان منابع انرژی و کالاهای تجاری، دیپلماسی ناوچه‌توپدار و سرشاری آن از مواد پروتئینی و مواد اولیه دیگر عامل اصلی این رویکرد باشد. در بین اقیانوس‌های جهان اقیانوس هند از نظر وسعت و بزرگی در رتبه سوم قرار دارد ولی اتفاقاتی که در معادلات بین‌المللی در چند دهه اخیر افتاده، شرایط را در این اقیانوس نسبت به دیگر نقاط جهان متفاوت کرده است. در دهه اخیر این اقیانوس کانون توجه کشورهای غیرمنطقه‌ای مانند آمریکا و متحدانش^۱، چین و برزیل و کشورهای منطقه‌ای مانند هند و پاکستان گردیده است. هر کدام از آنها به دلایل اقتصادی، سیاسی و نظامی برای تأمین منافع خود با اعزام بخشی از نیروی دریایی و اقدامات سیاسی و اقتصادی سعی در افزایش قدرت نفوذ خود در این منطقه حساس دارند. آلفرد ماهان در کتاب راهبرد دریایی خود می‌نویسد "هر کس که بتواند اقیانوس هند را تحت کنترل خود درآورد بر آسیا مسلط شده است. این اقیانوس دروازه هفت دریاست. در قرن ۲۱ سرنوشت جهان در دریاها رقم خواهد خورد." (V pane, 2009, p. 281)

جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به واسطه دریای عمان یکی از کشورهای ساحلی این اقیانوس به‌شمار برد که اگر منافعی از کشورهای دیگر در اقیانوس هند بیشتر نباشد کمتر نیست. حال با توجه به شرایط پیش رو قدرت‌دریایی جمهوری اسلامی ایران که وظیفه‌اش تأمین منافع کشور در دریا می‌باشد چگونه می‌تواند نقش خود را در قرن جاری در این اقیانوس ایفا کند؟

اقیانوس هند کانون توجه

منطقه اقیانوس هند (شبه قاره هند و آسیا) به لحاظ ویژگی و ظرفیت‌های خاص خود از زمان‌های بسیار طولانی مرکز رقابت و تلاش قدرت‌های بزرگ بوده است این اقیانوس رتبه سوم را

۱- کشورهای انگلیس، فرانسه، استرالیا، ژاپن و کانادا متحدان اصلی ایالات متحده آمریکا هستند.

اقیانوس هند و قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱..... ۴۳

از نظر بزرگی در بین پنج اقیانوس دارد و آسیا در شمال، آفریقا در غرب، هند و چین در شرق و قطب جنوب در جنوب آن قرار گرفته و محل دسترسی چهار آبراه حیاتی مانند تنگه هرمز، مالاکا، باب‌المنندب و کانال سوئز می‌باشد. این اقیانوس خاور میانه، آسیای شرقی و آفریقا را به آمریکا و اروپا متصل می‌کند.

از بعد اقتصادی بیش از ۵۰٪ از تجارت جهانی که از طریق دریا حمل می‌شود از این اقیانوس عبور می‌کند که ۲۰٪ آن منابع انرژی می‌باشد. همین‌طور برآورد می‌شود که ۴۰٪ از نفت جهان تولید شده در دریا در این منطقه باشد که متعلق به خلیج فارس و دریای عمان است. این در حالی است که بیش از ۶۵٪ از ذخایر نفتی و ۳۰٪ از ذخایر گاز دنیا متعلق به کشورهای حاشیه این اقیانوس است. برخلاف اقیانوس‌های اطلس و آرام، یک سوم تجارت از میان این اقیانوس عبور می‌کند که اساساً صادرات گاز و نفت متعلق به کشورهای منطقه است.

(V pane, 2009, p.279-280)

این وضعیت نقش جغرافیایی مهمی را به آن داده است تا قدرت‌های بزرگ برای کنترل آن به رقابت پردازند. بعد از مطرح شدن ایده دریادار ماهان استراتژیست معروف آمریکایی مبنی بر «تبدیل شدن به قدرت جهانی نیازمند تسلط بر دریاهاست» و با رو به زوال گذاشتن قدرت بریتانیا در منطقه و ظهور دو ابر قدرت آمریکا و شوروی، این اقیانوس عرصه تلاش و رقابت آمریکا و شوروی در دوران جنگ سرد برای گسترش نفوذشان به جهت تسلط بر این منطقه گردید. در اهمیت تسلط بر دریا جان اف کندی رئیس جمهور آمریکا می‌گوید: کنترل دریاها یعنی امنیت، کنترل دریاها یعنی صلح، کنترل دریاها می‌تواند معنی پیروزی بدهد. ایالات متحده آمریکا باید دریاها را کنترل کند چرا که این کنترل ضامن امنیت ما است.

(US naval academy publication, 2006, p.1)

در سال‌های اخیر بخصوص در قرن بیست و یکم به علت تغییراتی که در ساختار قدرت‌های اقتصادی جهان به ویژه در شرق آسیا و شبه قاره هند ایجاد گردیده، رقابت‌های جدیدی در اقیانوس هند شکل گرفته است که در این میان می‌توان به قدرت‌های نوظهور اقتصادی مانند چین و هند اشاره کرد که برای تقویت رشد اقتصادی خود متکی به واردات انرژی می‌باشند. اتفاقاتی مانند رقابت‌ها و روابط بین‌المللی و منطقه‌ای مانند اختلافات بین پاکستان و هند، رقابت‌های سیاسی و اقتصادی بین هند و چین، تلاش چین برای گسترش نفوذ خود در منطقه، رقابت‌ها و اختلافات

۴۴..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۹

اقتصادی چین و ژاپن، تلاش آمریکا برای تقویت روابط خود با هند و کشورهای شبه قاره هند و اتفاقات افغانستان و پاکستان و بحران ایجاد شده توسط دزدان دریایی سومالی، اقیانوس هند را بیش از پیش نامتعادل و کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای را به جهت تأمین منافع خود متوجه این ناحیه کرده است. آمریکا با به میان آوردن شعار "اجتماع خوب" ۱ به دنبال محکم کردن و استمرار حضور خود در این منطقه بوده و در این راستا با پشتیبانی و حمایت از هند به فکر همراه کردن بزرگترین کشور ساحلی این اقیانوس با خود است. آمریکایی‌ها بر این عقیده‌اند که "دریاها شاهرگ بقاء ما هستند. بعلاوه به عنوان مرز بین ملت‌ها و بزرگ‌راه پهناور عبور کشتی‌ها، دریاها منابع مهم غذا، مواد معدنی و فلزات هستند. ما شناورهای اقیانوس پیما را برای دستیابی به این منابع استفاده می‌کنیم. توسعه این شناورها به دلیل نیاز به حفاظت از این منابع در اقصی نقاط جهان است". (US naval academy publication, 2006, p.2)

کشور چین با دنبال کردن راهبرد موسوم به "رشته مرواریدها" ۲ با توسعه بندر گوادر پاکستان، پایگاه دریایی در برمه، برپایی تسهیلات جمع‌آوری اطلاعات در جزایر خلیج بنگال، برپایی تأسیسات ساخت کانال در عرض استان کرالیستوموس ۳ در تایلند، توافق نظامی با کامبوج و تقویت نیروهای خود در دریای جنوب چین، روز به روز به یگان‌های دریایی خود در اقیانوس هند می‌افزاید. هرچند این اقدامات به مذاق هند خوش نیامد و به چین اعتراض کرد ولی چینی‌ها ادعا می‌کنند که بیش از ۸۵٪ از منابع انرژی آنها از تنگه مالاکا عبور می‌کند و آنها به تکیه بر قدرت دریایی آمریکا برای تأمین انرژی خود بی‌میل هستند و تصمیم دارند نسبت به تقویت نیروی دریایی خود برای تأمین منابع انرژی چین در طول خطوط مواصلاتی از تنگه هرمز در خلیج فارس تا سواحل چین ادامه دهند. هرچند به نظر می‌رسد چین با عملکرد خود گوشه چشمی به کنترل هند در منطقه دارد. به این نکته باید توجه ویژه کرد که "راهبرد رشته مرواریدها" گسترش قابل توجه عمق راهبرد چین در حیاط خلوت هند است. (Gertz, 18 January 2005, p.83)

1- Collective Good

2- String Of Pearls

۳- نام استانی در جنوب کشور تایلند است که در صورت ایجاد کانال در آن مسیر کشتیرانی از دریای چین به اقیانوس هند

حدود ۱۵۰ مایل کوتاه‌تر شده و از اهمیت ژئوپولیتیکی تنگه مالاکا بسیار کاسته می‌شود.

اقیانوس هند و قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱..... ۴۵
چین با ساخت و توسعه بندر گوادر به عنوان یک بندر آب‌های عمیق در فاصله ۷۰ کیلومتری
مرز ایران و ۴۰۰ کیلومتری از تنگه هرمز، بزرگترین تنگه انتقال انرژی، توجه هند و آمریکا را
شدیداً به خود جلب کرده است. زیرا این کشور با ایجاد ایستگاه‌های شنود می‌تواند به راحتی
فعالیت‌های نیروی دریایی آمریکا را در خلیج فارس، نیروی دریایی هند را در اقیانوس هند و
دریای عربی و همکاری‌های دو نیروی دریایی آمریکا و هند را رصد کند. همچنین همکاری این
کشور با پاکستان به عنوان رقیب دیرینه هند، پاکستان را در نقطه قوت قرار می‌دهد.

(V pane, Summer 2009, p. 288-289)

شرایط موجود، هند را به این عکس‌العمل واداشته تا ضمن انجام فعالیت‌های دیپلماتیک،
داکترین دریایی خود را بازنگری نموده و با تلاش در توسعه نیروی دریایی آب‌های عمیق^۱، از
پيله خود خارج شده و با ایجاد نقش تأثیرگذار در اقیانوس هند و منطقه، خود را از حاشیه به متن
بکشاند. این کشور با برپایی رزمایش‌های دریایی با آمریکا و متحدانش در اقیانوس هند و
کشورهای عربی و اعزام یگان‌های نیروی دریایی خود به کشورهای دور و حضور فعال در مبارزه
با دزدان دریایی در خلیج عدن سعی در مطرح کردن نیروی دریایی خود دارد. در اهمیت اقیانوس
هند برای هندوستان، دیپلمات و تاریخ‌نویس هندی پانیکار^۲ از این واژه استفاده می‌کند «اقیانوس
هند باید حقیقتاً هندی بماند». وی در این باره می‌گوید: اقیانوس هند برای دیگر کشورها فقط یک
منطقه دریایی مهم است در حالی که برای هند یک دریای حیاتی است زیرا رشته حیاتش به آن
متمركز شده است. آزادی هند به آزادی سواحل این دریا بستگی دارد. وی مانند بسیاری از
استراتژیست‌های بریتانیایی و هندی تسلط هند بر اقیانوس هند را اجتناب‌ناپذیر می‌داند. به نظر
می‌رسد که این تفکر به نمونه و هیبتی برای نقشه راه نظامیان ارشد نیروی دریایی هند تبدیل شده
باشد. هند در داکترین دریایی خود در چشم‌انداز قرن ۲۱ آورده است که نیروی دریایی هند با
توجه به وضعیت امنیتی اقیانوس هند باید کمانی از خلیج فارس تا تنگه مالاکا را به عنوان منطقه
منافع مشروع هند در نظر بگیرد. (V pane, 2009, p.282)

به دلایل مختلف (ایران، چین، پاکستان و منابع نفتی حوزه خلیج فارس) منافع هند و آمریکا
در اقیانوس هند به یک نقطه مشترک می‌رسد و هند تلاش می‌کند تا روابط خود با آمریکا را

¹ -Blue Navy

² -K.M Pannikar

۴۶..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۹

تقویت کند تا فضای راهبردی مورد علاقه خود را در منطقه ایجاد نماید. در طرف مقابل آمریکا هم کاملاً به نقش مهم هند در منطقه واقف است به گونه‌ای که پاول وزیر سابق امور خارجه آمریکا بیان می‌کند «این برای آمریکا مهم است که از نقش هند در ایجاد امنیت و صلح در منطقه پشتیبانی نماید». آمریکا بعد از ۲۵ سال در بازنگری و به‌روز کردن راهبرد دریایی خود این نکته را مد نظر قرار داده است که نیروی دریایی به عنوان نیروی نظامی اصلی آمریکا باید این توانایی را داشته باشد که چین را از ایجاد درگیری باز دارد و در مقابل برای ایجاد امنیت و تعادل در منطقه با کشورهای چین و هند همکاری داشته باشد. این در حالی است که حضور گسترده نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس هند بی ارتباط با راهبرد وی در محاصره و مهار ایران نیست و این کشور تلاش می‌کند تا با همراه کردن کشورهایمانند هند، ژاپن و حتی پاکستان و برخی کشورهای عربی هر زمان که بخواهد عرصه را بر ایران تنگ نموده و خطوط مواصلاتی آن را به خطر انداخته و یا قطع نماید و این همان شرایطی است که دریادار ماهان در کتاب تأثیر قدرت دریایی می‌گوید "کشوری که به دریا راه نداشته باشد مانند انسانی است که راه تنفسش بسته است و نمی‌تواند نفس بکشد".

اقیانوس هند برای جمهوری اسلامی ایران از موقعیت و اهمیت راهبردی بالایی برخوردار است. تمامی مبادلات دریایی ج.ا.ا در جنوب با کشورهای خارج از منطقه به ناچار از اقیانوس هند عبور می‌کند که در این میان صادرات فراورده‌های نفتی از سهم ۱۰۰٪ برخوردار است. هرگونه تحولی در این اقیانوس اثر مستقیم بر منافع ملی کشور ایران دارد. با ایجاد محدودیت و یا محرومیت در این منطقه، کشور ایران با وجود داشتن مرز آبی به یک کشور تقریباً بری تبدیل می‌شود. درک این شرایط با توجه به تحولات جهانی و منطقه‌ای، مسئولین کشور را بر آن داشت تا در راهبرد دریایی خود تجدید نظر کرده و بعد از چندین دهه، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از خلیج فارس و سواحل دریای عمان پا فراتر گذاشته و حضور فعال و پررنگ خود را در اقیانوس هند به نمایش گذارد. مقام معظم فرماندهی کل قوا این نیرو را یک نیروی راهبردی نام نهاد و از مسئولین خواست که با آن مانند یک نیروی راهبردی برخورد شود. فعالیت‌های اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در توسعه بنادر چابهار و جاسک حکایت از توجه ویژه این کشور به آنسوی دریای عمان یعنی اقیانوس هند دارد. بی‌شک منافع مشروع جمهوری اسلامی

اقیانوس هند و قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱..... ۴۷
ایران به اقیانوس هند گره خورده و این کشور نمی‌تواند در برابر تحولاتی که در آن در حال به وقوع پیوستن است بی‌تفاوت باشد.

حال این سؤال مطرح است که اگر خلیج فارس با ویژگی‌های منحصر به فردش وجود نداشت باز هم اقیانوس هند به این اندازه کانون توجه همگان بود؟

جواب کاملاً واضح است خیر. موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خلیج فارس اهمیت ویژه‌ای را برای خود و منطقه ایجاد کرده است که این اهمیت در بین کشورهای منطقه برای ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و بین‌المللی خاص از سهم بیشتری برخوردار بوده و هست. خلیج فارس به عنوان بزرگترین منبع نفت و گاز جهان دارای ذخایر شناخته شده ارزشمندی است. این منطقه مهمترین قطب تأمین نفت در نیمه دوم قرن بیستم بوده و پیش‌بینی می‌شود که در نیمه اول قرن بیست و یکم با کاهش و یا پایان‌پذیری ذخایر نفتی جهان از جمله آلاسکا و دریای شمال بر موقعیت و جایگاه راهبردی و زمین اقتصادی (ژئواکونومیک) این منطقه افزوده شود. عوامل اساسی که از دیرباز توجه و آرزوهای قدرتمند و استعمارگر جهان را به خلیج فارس جلب کرده است، موقعیت سوق‌الجیشی و اقتصادی آن بوده که موجب شد تا کشورهای غربی در جستجوی کسب منافع مادی کلان و نفوذ در سرزمین‌های شرق به این منطقه سرازیر شوند در این راستا می‌توان به حضور پرتغالی‌ها، هلندی‌ها و سپس انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها اشاره نمود که برای ایجاد پایگاه‌هایی در خلیج فارس، شبه قاره هند، و ماوراء آن در شرق دور تلاش وسیعی بعمل آوردند. این اقدامات مقدمه ورود گسترده بیگانگان به خلیج فارس بود که تا به امروز ادامه یافته و سبب گردیده که امنیت این منطقه دستخوش مخاطره جدی گردد و نزاع و کشمکش در این بخش از جهان جریان یابد. (اسکیلز، ترجمه حیدری، ۱۳۸۴)

اقیانوس هند به همان اندازه برای ایران اهمیت دارد که خلیج فارس برای کشورهای فرامنطقه- ای. در زمان‌های گذشته که فناوری توسعه نیافته بود حضور در منطقه هدف برای کنترل آن لازم و ضرورت داشت به همین دلیل کشورهای استعمارگر برای تسلط بر منابع خلیج فارس وارد آن می- شدند و اهمیت اقیانوس هند فقط در حد یک آبراه بود که دسترسی به خلیج فارس را تسهیل می- کرد ولی اکنون با پیشرفت فناوری امکان کنترل این منطقه در جهت منافع مشروع (به‌زعم خودشان) از فاصله‌ای دورتر مانند اقیانوس هند وجود دارد و این دریای پهناور به صحنه‌ای برای مدیریت و کنترل تحولات گوناگون منطقه‌ای به پهنای آسیا تبدیل شده است. در طرف مقابل

۴۸..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۹
کشور جمهوری اسلامی ایران همانطور که در بالا عنوان شد حدود ۹۸٪ صادرات نفتی خود و چیزی به همین میزان واردات و صادرات غیرنفتی خود را از طریق دریا انجام می‌دهد که بخش اعظم آن از طریق بنادر خلیج فارس و دریای عمان وارد و خارج می‌شود که تمام آن باید از طریق مسیرهایی که به اقیانوس هند منتهی می‌شود انتقال یابد.

امنیت دریایی در اقیانوس هند

در بین سه اقیانوس معتدل (اطلس، آرام و هند) در جهان، اقیانوس هند شاید حساس‌ترین مشکلات مدیریت امنیت را به خود اختصاص داده است. با پایان یافتن جنگ سرد تنش در اقیانوس اطلس شمالی و بخش وسیعی از شمال اقیانوس آرام کاهش یافت و یا حداقل اینکه از دیگه نیروهای دریایی ناتو و هم‌پیمانان غربی با مرگ تهدید شوروی، اکنون دشمن آشکاری وجود ندارد. منطقه‌ای که به وسیله سواحل غربی اتحادیه اروپا و شرقی آمریکای شمالی احاطه شده است از یک صلح وصف‌ناپذیر راهبردی بهره‌مند است. این در حالی است که مشکلات به طور مستمر در آب‌های شرق آسیا و اقیانوس هند آشکار می‌شوند. برای مثال جنوب شرق آسیا یک محل تقاطع مجمع‌الجزایری است که شرق را به غرب متصل می‌کند و از عهد باستان تجارت در آن پیشرفت و جریان داشته به‌ناچار به منطقه‌ای تبدیل شده که تعداد زیادی از فرهنگ‌ها، مذهب‌ها، ایدئولوژی‌ها و سیستم‌های سیاسی برای بقا و یا گسترش منافع خود در آن رقابت و تلاش می‌کنند. بروز مشکلی به نام القاعده در این منطقه و تلاش آنها برای استفاده از دریا به منظور قاچاق مواد مخدر و اسلحه و اقدامات تروریستی، با هدف کسب سرمایه و حفظ ماندگاری خود بر امنیت آب‌های منطقه مخصوصاً اقیانوس هند اثر منفی داشته است. امروزه این منطقه یکی از شلوغ‌ترین بزرگراه‌های جهان برای تبادلات تجاری کالا، سرمایه، تولیدات و خدمات است. در حالیکه تعداد زیادی از کشورها در نزدیکی این منطقه وجود دارند که به کشتیرانی امن وابسته هستند، اقیانوس هند به دلایل زیر از ناامنی رنج می‌برد:

۱- حضور کشورهای فرامنطقه‌ایی مانند آمریکا و انگلیس که قصد دارند در جهت منافع خودشان و چپاول منطقه این اقیانوس را مدیریت کنند.

۲- نزاع‌های فراملی که ممکن است بر اثر بی‌نظمی‌های کشورهای ساحلی در عمل به قانون عبور بی‌ضرر از آب‌های سرزمینی به وسیله کشتی‌های خارجی از آب‌های سرزمینی رخ می‌دهد باشد.

اقیانوس هند و قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱..... ۴۹
یک کشور ساحلی ممکن است تنها به فعالیت‌های خصمانه یک شناور نسبت به منافعش مانند عدم
روشنگری از قصد خود و پادزهرهای دروغین در اقدامات اعتمادسازی ظنین شود.

۳- آلودگی دریایی.

۴- مین دریایی- گرچه این بعید است و روی هم رفته مشکل غیر قابل پیش بینی از این باب
نمی‌باشد.

۵- دزدی دریایی- این مشکلی است که در آب‌های جنوب شرق آسیا، دماغه آفریقا و شمال شرق
آفریقا در خلیج عدن و بخشی از قسمت میانی اقیانوس هند مشاهده می‌گردد و باعث به مخاطره
افتادن امنیت کشتیرانی و خطوط مواصلاتی کشورهای منطقه و خارج از منطقه شده است.

۶- نزاع‌های منطقه‌ای دریایی- برای مثال معاهدات سازمان ملل متحد در قوانین دریایی به
کشورهای ساحلی اجازه می‌دهد تا توسعه منافع ملی خود را در عرصه اقیانوس ادامه دهند که این
می‌تواند باعث تشدید تنش‌های منطقه‌ای شود. و در حقیقت این اتفاق افتاده است. کشور پاکستان
با در نظر گرفتن بخش وسیعی از شمال اقیانوس هند به عنوان استان پنجم خود و پیگیری آن برای
تصویب سازمان‌های بین‌المللی قصد دارد کنترل خود بر اقیانوس هند را افزایش دهد که این اقدام
از سوی هند مورد اعتراض واقع شده است و اگر این اتفاق رخ دهد مشکلات خاصی را برای ایران
به وجود خواهد آورد. (Mc Caffee, 1996)

نظریه قدرت دریایی در قرن ۲۱

قدرت دریایی به عنوان یک مفهوم بیشتر از قدرت دریایی معنی می‌دهد. قدرت دریایی
توانایی ملی یک کشور برای محافظت از منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود بواسطه کنترل دریا
می‌باشد. بخش‌های اصلی قدرت دریایی عبارت از نیروی دریایی، علم اقیانوس شناسی، صنایع
دریایی و تجارت دریایی می‌باشد. قدرت دریایی رقابت‌های تجاری را در زمان صلح، تحرکات
دیپلماتیکی و درگیری‌های ناوگان را در زمان جنگ دربر می‌گیرد.

در دوران جنگ سرد اهمیت قدرت دریایی بر بازنگه داشتن خطوط مواصلاتی دریایی و
کنترل دریایی و دفاع از سرزمین متمرکز گردید، برای دو ابرقدرت به وسیله‌ای برای توازن قدرت
نیز تبدیل گردید. در دوران اواخر جنگ سرد در حالی که ویژگی‌های قبلی برای اکثریت قریب به
اتفاق نیروهای دریایی دنیا تقریباً ثابت ماند و فقط سطح فناوری تغییر یافت، به یکباره تغییرات

۵۰..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۹
عمده‌ای در رشد نیروی دریایی آمریکا و شوروی ایجاد شد به گونه‌ای که بتوانند در ایجاد توازن
سیاسی برای دستیابی به اقتصاد سرشار منطقه ریملند، آسیای مرکزی، اروپا و آسیا اقیانوسیه و به
دنبال آن دستیابی به بازارهای جهان، اطمینان دولت‌های خود را حاصل نمایند. بعد از فروپاشی
شوروی سابق و خارج شدن این ابرقدرت از گردونه رقابت، کلیه اهداف فوق در دستور کار
نیروی دریایی آمریکا قرار گرفت و آمریکا برای رسیدن به اهداف فوق نظریه دهکده جهانی را
مطرح و به دنبال آن حوادث متعدد سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۰۳ را به راه انداخت.^۱

به دلیل مخالفت‌های متعدد ملی و گروهی در کشورهای هم پیمان آمریکا در استفاده نظامی
از سرزمین و فضای کشورشان برای حمله به کشورهای هدف، مانند عدم موافقت ترکیه و بعضی
کشورهای عربی در زمان حمله به عراق و یا کشورهای آسیای میانه در حمله به افغانستان و عراق و
یا مخالفت‌های مردمی ژاپن و فیلیپین از حضور نظامی آمریکا در کشورشان، در سال ۲۰۰۳
نظریه پردازان نظامی آمریکایی برای مقابله با این شرایط و کم کردن وابستگی خود از پایگاه
دریایی در کشورهای هم‌پیمان نظریه "از دریا"^۲ را مطرح و "قدرت دریایی ۲۱"^۳ را طراحی
کردند.

بر اساس این نظریه، قدرت دریایی را سه جزء تشکیل می‌دهد که عبارتند از: "سپر دریا، ضربه
دریا و پایگاه دریایی"^۴ که این سه جزء در فضای ارتباطی "شبکه محور"^۵ به هم مرتبط می‌شوند.
نظریه از روی دریا که به استراتژی دریایی آمریکا تبدیل شد منعکس کننده تغییر از یک تهدید
جهانی به یک تهدید ترکیبی منطقه‌ای و هدف آن استفاده از قابلیت‌های نیروهای موجود در یک
منطقه برای عملیات مؤثرتر در مناطق ساحلی است. در نتیجه این نظریه نیازمندی‌هایی را برای
جنگیدن و پیروز شدن، ایجاد بازدارندگی راهبردی، کنترل دریا، سیادت دریایی و انتقال راهبردی
دریایی ایجاد کرد. بر اساس این نظریه قدرت دریایی ۲۱ قادر است بدون نیاز به پایگاه مشخص
دریایی خارج از سرزمین آمریکا با هر بحرانی در اقصی نقاط جهان از طریق دریا در یک فضای
رزمی با برتری اطلاعاتی روبرو شود.

۱- یازده سپتامبر - جنگ های اول و دوم خلیج فارس، افغانستان، یوگسلاوی

۲- From The Sea

۳- Sea Power 21

۴- Sea Shield, Sea Strike, Sea Base

۵- Force Net

اقیانوس هند و قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱..... ۵۱

قدرت دریایی ۲۱ برای انجام عملیات‌های پراکنده و همزمان طراحی شده است. در این سیستم ناوگروه‌های ناو هواپیمابر از نظر اندازه کاهش یافته ولی شناورهای سطحی و زیردریایی در قالب گروه ضربت و یگان‌های حفاظ مانند: ناوشکن‌ها و فریگت‌ها و زیردریایی‌ها برای انجام عملیات انفرادی و گروه‌های رزم سطحی شامل رزمناوها و ناوشکن‌ها افزایش یافته است. هدف اصلی قدرت دریایی ۲۱ دستیابی به برتری دریایی، هوایی و زمینی در هر مکانی که نیاز باشد می‌باشد. در حالت کلی این نظریه قدرت دریایی در شناسایی و توسعه نقش و کاربرد نیروی دریایی مؤثر است و آن را با اهداف راهبردی نظامی هم‌سو می‌کند.

شاید این تفکر رؤیایی به‌نظر برسد ولی با توجه به اتفاقاتی که در این یک دهه افتاده است دور از واقعیت نمی‌تواند باشد که نوک پیکان قدرت دریایی ۲۱ طراحی شده توسط آمریکایی‌ها به طرف اقیانوس هند است در حالی که پشتیبانی آن تحت سه مؤلفه (آزمایش دریا، جنگجوی دریا و اقدام مهم دریا)^۱ در قاره آمریکا اتفاق می‌افتد.

آزمایش دریا: شامل مراحل است که فناوری و تفکرات جدید را برای افزایش توان رزمی یکپارچه می‌کند.

سلحشور دریا: بر روی شایستگی‌های تاکتیکی، پیشرفت‌های حرفه‌ای، آموزش و تحصیلات کارکنان متمرکز است.

اقدام مهم دریا: درگیر در توسعه تنظیم سازمان، پالایش نیازمندی‌ها و ذخیره‌داری برای تولید و خرید سامانه‌ها و سکوها (یگان‌های شناور) مورد نیاز برای افزایش توان رزمی در دریا می‌باشد. مشاهده می‌شود که از سه مؤلفه‌های فوق اقدام مهم دریایی با سیاست و دیدگاه حکومتی برای پشتیبانی از قدرت دریایی و دو مؤلفه دیگر به سیاست‌های داخلی نیروی دریایی مرتبط است. به عبارت دیگر دیدگاه و تفکرات سیاسیون و حاکمان در شکل‌گیری و افزایش قدرت دریایی بسیار مؤثر است. (M. BENNER - 2004p.2-7)

ایران در اقیانوس هند:

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ دارا بودن موقعیت راهبردی و ظرفیت بالا در تغییر ساختار نظام بین‌المللی در کانون توجه کشورهای مختلف جهان قرار دارد. از طرفی این کشور تلاش دارد

¹ -Sea Trial, Sea Warrior, Sea Enterprise

۵۲..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۹
بر اساس سند چشم‌انداز بیست ساله خود موقعیت خود را ارتقاء داده و در ابعاد مختلف قدرت ملی (سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی) رتبه اول را در منطقه کسب نماید. پر واضح است که این موضوع به مذاق کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای خوش نمی‌آید و احتمالاً اقداماتی را در جایگاه رقیب یا دشمن بر علیه ایران انجام خواهند داد که در صورت عدم هوشیاری رسیدن به اهداف چشم‌انداز را با مشکل روبرو خواهد کرد.

با گذری در تاریخ به این مهم برمی‌خوریم که کشورهایی که توانسته‌اند قدرت دریایی خود را ارتقاء دهند از قدرت ملی بالایی نیز برخوردار شده‌اند. در این بین می‌توان به ایران در عهد هخامنشی و نادرشاه، اسپانیا، پرتغال و انگلیس اشاره کرد که در برهه‌هایی از زمان به پشتوانه قدرت دریایی، قدرت بلامنازع جهان بودند. در مقابل کشورهایی مانند آمریکا، بریتانیا و چین توانسته‌اند در عصر حاضر با تکیه بر قدرت دریایی به عنوان بازوی تحاجمی و مؤثر قدرت ملی خود در معادلات جهانی تأثیرگذار باشند.

آدمیرال ماهان استراتژیست آمریکایی برای اینکه یک کشور دارای قدرت دریایی باشد نیازهای زیر را مطرح می‌کند:

- ۱- بهره‌بردن از موقعیت جغرافیایی
- ۲- برخورداری از ساحل قابل استفاده، منابع طبیعی وافر و آب و هوای مناسب
- ۳- سرزمین پهناور (عمق استراتژیک)
- ۴- جمعیت بزرگ به اندازه‌ایی که توانایی دفاع از سرزمین خود را داشته باشد.
- ۵- جامعه‌ای شایسته برای سرمایه‌گذاری در تجارت و دریا
- ۶- حکومتی با دیدگاه و توانایی برای تسلط بر دریا

جمهوری اسلامی ایران پنج فاکتور از نیازمندی‌های لازم برای قدرت دریایی را به صورت طبیعی دارا می‌باشد و در سال‌های اخیر قسمت ششم آن نیز مهیا گردیده است.

مطالعه در جنگ‌های آمریکا و عراق در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که در صورت ورود نیروهای فرامنطقه‌ای به تنگه هرمز و خلیج فارس، با اتکا به سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته می‌توانند امنیت مراکز حساس و حیاتی ایران را با مخاطره جدی روبرو نمایند. و از طرف دیگر حضور و تسلط نیروهای فرامنطقه‌ای در تنگه هرمز و دریای عمان با توجه به اینکه این دو در ابتدای دهلیز فلات

اقیانوس هند و قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱..... ۵۳
ایران واقع شده‌اند ایران را به یک قدرت صرفا بری و خلیج فارس را به یک دریای بسته تبدیل
می‌کند. (شالیان، ترجمه دکتر جعفری، ۱۳۶۶ ص ۹۴)

جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از شکل‌گیری چنین شرایطی در زمان بحران نیاز به
ایجاد حلقه‌های دفاع دریایی در خارج از محدوده تنگه هرمز و خلیج فارس برای ممانعت از
دسترسی نیروهای دشمن به این منطقه دارد لذا حضور در شرق تنگه هرمز و اقیانوس هند توسط
نیروی دریایی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و از دو بُعد نظامی و اقتصادی قابل بررسی
می‌باشد.

۱) نظامی :

امروزه کشورهای فرامنطقه‌ای بخصوص آمریکا برای پیروزی در جنگ‌های خود به دو عامل
فناوری و مدت زمان عملیات بشدت متکی می‌باشند. بطور مثال عملیات نظامی آمریکا و متحدانش
در جنگ اول خلیج فارس ۴۶روز طول کشید در صورتیکه در جنگ دوم آن را به ۲۳روز کاهش
دادند. سیستم‌ها و تجهیزات نظامی در جنگ دوم خلیج فارس نسبت به جنگ اول کاملاً متحول
شده و از قابلیت و دقت بالاتری برخوردار گردیدند.

الف) فناوری:

پیشرفت فناوری باعث گردیده که نیروهای فرامنطقه‌ای قادر باشند اطلاعات دقیقی از صحنه
نبرد و اهداف مورد نظر خود در کشور مقابل بدست آورده و آنها را از فاصله دور با استفاده از
موشک‌ها و هواپیماهای دوربرد مورد اصابت قرار دهند و هرچه این فاصله کمتر باشد دقت
هدف‌گیری آنها را بالا برده و امکان مقابله با آنها را با مشکل مواجه می‌نماید لذا بهترین راه برای
مقابله با تهدیدات احتمالی نیروهای فرامنطقه‌ای و خنثی نمودن تاثیر فناوری پیشرفته، انتقال منطقه
نبرد دریایی به فاصله‌ای دور از مرزهای جمهوری اسلامی ایران یعنی اقیانوس هند و خلیج عدن
می‌باشد. این اقدام باعث می‌گردد با افزایش گستره منطقه جمع‌آوری اطلاعات بتوان نیروهای
دشمن را در فاصله‌ای دور هدف قرار داده و ضمن ناامن کردن منطقه برای آنها، قبل از اینکه
بتوانند با سلاح‌های خود کشور را هدف قرار دهند فرصت بیشتری را در اختیار نیروهای پدافندی
خودی برای رصد و مقابله با آنها قرار دهد.

ب) زمان

به همان میزان که فنآوری پیشرفت می‌نماید هزینه‌های بهره‌برداری و نگهداری آنها نیز در واحد زمان برای کشور استفاده کننده بالا می‌رود لذا تجربیات گذشته نشان می‌دهد که طراحان عملیات نیروهای آمریکایی تمام تلاش خود را بکار می‌برند تا مدت زمان عملیات را به حداقل ممکن کاهش دهند. انتقال منطقه دفاع دریایی به شرق تنگه هرمز و یا به عبارت دیگر در فاصله‌ای دور از مرزهای ایران (در جنوب شرق دریای عمان و اقیانوس هند) این امکان را برای نیروهای خودی فراهم می‌کند تا در صحنه دریا ضمن درگیر کردن یگان‌های دشمن با استفاده از ظرفیت‌های در اختیار، عامل زمان را از آنها گرفته و درگیری را به جنگ فرسایشی تبدیل نماید.

۲) اقتصادی:

الف) تأمین خطوط مواصلاتی دریایی

رونق اقتصادی هر کشور در زمان جنگ به جهت پشتیبانی نیروهای عملیاتی و درگیر نبرد بسیار با اهمیت می‌باشد. از سوی دیگر صدور نفت از کشورهای منطقه و واردات تجاری به این کشورها از طریق این آبراه برای جامعه بین‌المللی بخصوص اروپا و آمریکا از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا حضور نیروی دریایی در دریای عمان و اقیانوس هند در باز نگه داشتن خطوط مواصلاتی دریایی ایران و قطع خطوط مواصلاتی دریایی دشمن و یا کشورهای هم‌پیمانان بسیار مؤثر است و این نیرو می‌تواند با امکانات بالفعل و بالقوه خود حافظ منافع و شاهراه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و اهرم فشار و بازدارنده‌ای برای نیروهای فرامنطقه‌ای و کشورهای هم‌پیمانان باشد.

ب) کنترل دریایی

کنترل دریایی عبارت از استفاده از توانایی‌های نیروی دریایی مانند عملیات زیردریایی، مین‌ریزی، حملات هوایی یا سطحی که یک کشور ضمن اینکه خود آزادانه از دریا استفاده می‌کند، طرف مقابل را در بهره‌گیری از دریا محروم می‌سازد. (Admiral Sir Alan - 2007p.41)

در جنگ، کنترل دریایی نقش بسیار مؤثری در توان اقتصادی طرفین داشته و عامل مهمی برای ادامه جنگ می‌باشد. لذا حضور مقتدرانه نیروی دریایی در شرق تنگه هرمز، دریای عمان و اقیانوس هند ضمن اینکه این امکان را مهیا می‌نماید تا در فاصله‌ای دور از مرزهای ایران با اقدامات

اقیانوس هند و قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱..... ۵۵

کنترل دریایی دشمن مقابله نماید، می‌تواند دشمن و یا هم‌پیمانان وی را نیز در محاصره دریایی قرار دهد. از سوی دیگر این امکان فراهم می‌گردد که با دور نگه داشتن دشمن از حوزه خلیج فارس ضمن ادامه فعالیت‌های اقتصادی در این منطقه موجب حفظ موقعیت سوق‌الجیشی و ژئوپلیتیک آن برای جمهوری اسلامی ایران گردد.

نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران پس از سال‌ها تاسیس و فعالیت به عنوان یک نیروی دریایی تقریباً ساحلی، با تغییر داکترین خود، به یک نیروی دریایی در آب‌های دور و عمیق تبدیل گردیده و در یک اقدام کاملاً هوشمندانه با توجه به بحران دزدی دریایی در خلیج عدن، حضوری قوی در منطقه داشته و دفاع از منافع ملی را به شمال اقیانوس هند و خلیج عدن منتقل نموده و به خوبی از خطوط مواصلاتی ایران محافظت می‌کند و بالطبع نیازمندی‌های آن نیز متناسب با مأموریتش تغییر کرده‌است.

با درک کامل شرایط پیش‌رو که در بالا توضیح داده شد، ایران نیازمند قدرت دریایی مقتدري است تا بتواند منافع ملی را در عرصه آب‌های بین‌المللی حفظ نماید. ناوگان تجاری جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت دریایی از بزرگترین ناوگان‌های حمل و نقل دریایی در منطقه و مانند خونی در رگ‌های اقتصاد به عنوان مؤلفه مهم قدرت ملی ایران است. ناوگان نظامی برای حفاظت از آن نیازمند ساز و کار نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. در بعد نرم‌افزاری به نظر می‌رسد هماهنگی و همکاری تنگاتنگ بیش از پیش بین این دو ارگان دریایی نیاز است. ارتباطات بین سازمانی این دو ارگان باید تصحیح گردد بگونه‌ای که سیاست‌گذاری‌های راهبردی و عملیاتی ناوگان تجاری، تأمین‌کننده دیدگاه‌ها و نیازهای عملیاتی ناوگان نظامی باشد. مأموریت‌های جدیدی برای ناوگان تجاری باید تعریف شود تا در زمان مورد نیاز پشتیبانی از ناوگان نظامی را انجام دهد. اقدامی که در بیشتر کشورهای صاحب دریا اتفاق افتاده و در حال انجام است. در بعد سخت‌افزاری نیروی دریایی برای حضور مؤثر در اقیانوس هند توانی حداقل پنج برابر توان معمول را باید صرف کند. فضای عملیاتی و حوزه مأموریتش تغییر یافته لذا به موازات این تغییر که هم درونی است و هم بیرونی رفتار به آن هم نیاز به تغییر دارد و باید برای افزایش توان رزمی و ماندگاری نیروی دریایی امکان لازم را فراهم کرد.

نیروی دریایی در راهبرد حضور خود در اقیانوس هند و یا هر مکانی که منافع جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌نماید باید بتواند اهداف زیر را دنبال کند:

۱- عمق بخشیدن به پدافند ملی از بُعد دریا و فضای بالای آن

۲- نمایش قدرت دریایی (دیپلماسی ناوچه توپدار)

۳- کنترل دریایی

۴- ممانعت دریایی در صورت نیاز

۵- حفاظت ناوگان تجاری در آب‌های بین‌المللی

یکی از مؤثرترین راه‌های افزایش تأثیرگذاری ایران در مدیریت اقیانوس هند ایجاد و مشارکت در پیمان‌های مشترک نظامی منطقه‌ای است که باید ابزارش مهیا باشد و آن چیزی نیست جز داشتن نیروی دریایی قدرت‌مند و تأثیرگذار تا دستگاه دیپلماسی به پشتبانه آن بتواند اقدامات لازم را انجام دهد. جمهوری اسلامی ایران باید بتواند این واقعیت را به اثبات برساند که هم‌پوشانی نیروی دریایی کشورهای منطقه توانایی مدیریت امنیت اقیانوس هند را دارند. چیزی که هرگز مورد پذیرش قدرت‌های فرامنطقه‌ای نبوده و با ایجاد شرایط سیاسی - نظامی از رویکرد همگرایی در این منطقه حساس از جهان جلوگیری می‌کنند. لذا شرایط حاکم بر فضای عملیاتی در اقیانوس هند صفحه جدیدی را برای نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران باز کرده است. این نیرو باید بتواند صحنه نبرد در اقیانوس هند را در زمان بحران مدیریت نماید کما اینکه این رویکرد بازدارندگی پایداری را در زمان گذار از تهدید برای ایران ایجاد می‌کند.

هر چند که این نیرو با در اختیار داشتن یگان‌های متنوع زیرسطحی، سطحی، هوایی و یگان ویژه این قابلیت را داراست که در این منطقه به طور مؤثر عمل نماید. اما استمرار این حضور نیاز به پشتیبانی همه جانبه داشته و می‌بایست زمینه دستیابی این نیرو به یگان‌های رزمی با توان ماندگاری بالا در دریا و تسلیحات متناسب با فنآوری روز فراهم گردد.

جمهوری اسلامی ایران برای تحقق بخشیدن به اهداف بالا نیازمند برنامه و طرح‌ریزی‌های

کوتاه و بلندمدت در راستای افزایش ویژگی‌های زیر در نیروی دریایی می‌باشد:

الف- چابک‌سازی یگان‌های رزمی

ب- قدرت یگان‌های پروازی (هوادریا)

ج- توان موشکی

د- توان کشف و شناسایی برد بلند

ه- رویکرد یگان‌های بدون سرنشین

و- قابلیت C4ISR2 با رویکرد نیروی شبکه محور^۱

ز- دفاع نقطه‌ای و پدافند محلی

ح- توان زیرسطحی

ط- هماهنگی بین ناوگان نظامی و ناوگان تجاری در ابعاد مختلف

در اینجا چابک‌سازی به مفهوم کوچک‌سازی نیست بلکه به معنی افزایش سرعت در تمام ابعاد (تصمیم‌گیری، جابجایی، بکارگیری و انتقال اطلاعات) می‌باشد. یگان‌های پروازی به عنوان بازوی بسیار مهم در کشف، شناسایی و انهدام و پشتیبانی رزمی برای نیروی دریایی محسوب می‌گردند.

نداجا نیز در صورت بکارگیری گسترده از این فناوری به میزان بسیار زیادی می‌تواند توان رزمی خود را افزایش دهد. توان موشکی با دقت بالا مانند بازوی بلندی است که می‌تواند با اطمینان بیشتری متخاصم و یا اهداف مرتبط با آن را منهدم کند در این رابطه باید به دو بعد ساحل به دریا و دریا به دریا پرداخته شود. زیردریایی یکی از مخوف‌ترین تجهیزات نظامی در دریا محسوب می‌گردد که داشتن و بکارگیری آن یک نقطه قوت می‌باشد. حضور زیر سطحی‌های نیروی دریایی ایران می‌تواند صحنه عملیات را در دریا برای دشمنان ناامن نماید. هماهنگی بین ناوگان نظامی و تجاری و هم‌پوشانی و هم‌افزایی یکدیگر ضمن کاهش هزینه‌ها در ابعاد متفاوت باعث می‌گردد در زمان بحران وظایف خود را در قبال یکدیگر به خوبی انجام دهند. در دنیا کشورهایی که دارای قدرت دریایی پویا و مؤثر هستند. ناوگان تجاری بخش اعظمی از اقدامات پشتیبانی رزمی را برای ناوگان نظامی انجام می‌دهد.

نتیجه‌گیری:

وجود منابع غنی نفت و گاز در خلیج فارس و افزایش چشمگیر قدرت ملی کشور چین و رغبت این کشور برای نفوذ به کشورهای آسیایی و آفریقایی، اقیانوس هند را به دلیل مهم‌ترین و

¹ -Forcenet

۵۸..... فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هفتم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۹

شلوغ‌ترین آبراه انتقال انرژی و کالاهای تجاری به کانون توجه کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کرده است. کشورهای استعمارگر رویه همیشگی که ایجاد تنش و بحران در منطقه برای توجیه حضور خود می‌باشد را در منطقه آسیا نیز دنبال می‌کنند تا بتوانند در جهت تأمین منافع خود وضعیت پیش آمده را مدیریت نموده و نفوذ خود را پررنگ کنند. کشورهای منطقه مانند هند و ژاپن نیز عکس‌العمل‌هایی را در پیش گرفته‌اند. نتیجه این واگرایی‌ها و دخالت‌ها اقیانوس هند را به ناامن‌ترین اقیانوس تبدیل کرده و کشورها به اقتضای منافع خود به شکل بین‌المللی و یا واحد قصد بدست گرفتن کنترل دریایی در این اقیانوس را دارند. از آنجایی که این اقیانوس از نظر اقتصادی دروازه صادرات و واردات دریایی و از بعد نظامی نیز حیاط خلوت ایران محسوب می‌شود عدم توجه جمهوری اسلامی ایران به اقیانوس هند و تحولات پیرامون آن امری غیر ممکن است چرا که به طور مستقیم با منافع ملی کشور گره خورده است و اگر حضوری مؤثر در این تحولات نداشته باشد در زمان بحران نمی‌توان ایران را کشوری ساحلی نامید در عوض دریای عمان و خلیج فارس از بعد آفند و پدافند به تهدیدی برای ایران تبدیل می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران برای حفظ تداوم منافع خود در اقیانوس هند و مدیریت صحنه نبرد نیازمند قدرت دریایی قوی است که حضور مؤثر در آب‌های بین‌المللی داشته باشد.

از آنجایی که تجربیات گذشته و شرایط کنونی منطقه شرق آسیا و خاورمیانه چشم‌انداز همگرایی سیاسی و نظامی را نوید نمی‌دهد و اقدامات کشورهای فرامنطقه‌ای و بعضی کشورهای منطقه‌ای در جهتی است که از نفوذ ایران جلوگیری نمایند، شاید بتوان گفت پیمان‌های سیاسی و نظامی را که در جهت مدیریت امنیت منطقه اقیانوس هند باشد و در این پیمان‌های منطقه‌ای ایران بخشی از آن باشد نمی‌توان تصور کرد. در نتیجه ایران باید قدرت دریایی خود را به گونه‌ای تغییر دهد و تقویت نماید که این تصور برای دیگران مخصوصاً کشورهای فرامنطقه‌ای ایجاد نشود که می‌توانند از طریق اقیانوس هند ایران را محدود و یا تحت فشار اقتصادی و نظامی قرار بدهند. تغییرات در ساختار و بکارگیری نیروهای دریایی کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای شرایطی را ایجاد کرده و در آینده ایجاد می‌کند که در سطح ملی باید در ابعاد راهبردی و عملیاتی تحولات اساسی در نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در راستای تأثیرگذاری در آب‌های عمیق اقیانوس هند و یا هر جا که منافع ملی ایجاب می‌نماید ایجاد شود.

اقیانوس هند و قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱..... ۵۹

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که:

۱- شرایط و تحولات منطقه به سمتی پیش می‌رود که قدرت‌های استعماری و کهنه‌کار و قدرت‌های نوظهور هر کدام برای تأثیرگذاری در اقیانوس هند ضمن رقابت‌های سیاسی و نظامی متقابل به یارگیری منطقه‌ایی پرداخته‌اند.

۲- اقیانوس هند از نظر اقتصادی و سیاسی به عنوان مهمترین آبراه بین‌المللی ایران محسوب می‌گردد و از نظر نظامی چشم‌پوشی از آن باعث به خطر افتادن منافع ملی می‌گردد و با توجه به توسعه، پیشرفت، تحول و رویکرد کشورهای منطقه و فرمانطقه‌ای در بعد قدرت دریایی، حضور تأثیرگذار قدرت دریایی ایران در اقیانوس هند اجتناب‌ناپذیر است.

۳- قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران برای مقتدر بودن نیازمند همکاری و هماهنگی هرچه بیشتر بین ناوگان نظامی و ناوگان تجاری در سطوح مختلف صف و ستاد بوده و باید این دو سازمان ضمن تجدید نظر در طرح‌های عملیاتی خود نیازهای پشتیبانی و عملیاتی یکدیگر را در زمان صلح و جنگ مرتفع نمایند.

۴- در سطوح بالای حکومتی تأثیر قدرت دریایی در منافع ملی کشور ایران به عنوان یک کشور ساحلی به خوبی درک گردیده و نیازمند یک عزم ملی برای پشتیبانی و ارتقای توان رزمی نیروی دریایی جهت حضور در اقیانوس هند با توجه به تهدیدات و مقدمات دشمن در صحنه عملیات می‌باشد.

منابع:

- ۱- اسکیلز، رابرتاچ (۱۳۸۴). جنگ آینده. ترجمه عبدالمجید حیدری، تهران: دافوس سپاه.
- ۲ - شالیان، ژرار (۱۳۶۶). اطلس استراتژیک جهان. ترجمه دکتر ابراهیم جعفری، تهران: روزنامه اطلاعات.
- 1- Benner Steven M. (19 march 2004). Is sea power 21 the answer? - Pennsylvania - U.S. Army War College.
- 2 - E. B. potter(2006). Sea power chapter20- west point - US naval academy publication .

- 3- Gertz Bill, 18 January (2005). "China Builds Up Strategic Sea Lanes," Washington Times.
- 4- Mc Caffeine, Jack, August (1996). Maritime Strategy Into The Twenty-First Century: Issues For Regional Navies, Strategic & Defense Studies Centre, Canberra, Australia National University.
- 5- V pant Harsh–summer (2009). India in Indian Ocean - Pacific Affairs: Volume 82, No. 2 - London- king's college.
- 6- Powell Colin(27 January 2001). "US Looks to its Allies for Stability in Asia and the Pacific," International Herald Tribune.
- 7- West Admiral Sir Alan (2006). British maritime doctrine - Principles Governing the Use of Maritime Power- London - Published by TSO.

